

۸۷/۱/۱۰۵۹۱۷
۸۷/۱۲/۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا
الله لولم يكن لنا فيه حظ
ولا نصيب

۸۷/۱/۱۰۵۸۱۷
۸۷/۱۲/۲



دانشگاه بیرجند

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

جهان بینی فردوسی در بخش پهلوانی شاهنامه

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا راشد محصل

استاد مشاور:

دکتر سیدمهدی رحیمی

نگارش:

علیرضا مؤذنی

تیرماه ۱۳۸۷

۱۰۶۵۴۰

کتابخانه ادبیات فارسی
سپید

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳



تاریخ:
شماره:
بیوست:

صور تجلسه دفاع از پایان نامه ی تحصیلی دوره ی کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال، جلسه ی دفاع از پایان نامه ی تحصیلی کارشناسی ارشد آقای علیرضا مؤذنی

به شماره دانشجویی: ۸۴۲۳۲۰۷۰۴۱ رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: -

دانشگاه: ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

تحت عنوان: جهان بینی فردوسی در بخش پهلوانی شاهنامه

مورخ: ۸۷/۴/۱۲

روز: چهارشنبه

واحد در ساعت: ۱۸

به ارزش: ۴

با حضور اعضای محترم هیأت داوران متشکل از:

| امضاء | رتبه علمی | نام و نام خانوادگی | سمت |
|-------|-----------|---------------------------|------------------------|
| | استادیار | دکتر محمد رضا راشد محصل | استاد راهنمای اول |
| — | — | — | استاد راهنمای دوم |
| | استادیار | دکتر سیده مهدی رحیمی | استاد مشاور اول |
| — | — | — | استاد مشاور دوم |
| | استادیار | دکتر ابراهیم محمدی | داور اول |
| | استادیار | دکتر محمد بهنام فر | داور دوم |
| | استادیار | دکتر علی اکبر سام خانیانی | نماینده تحصیلات تکمیلی |

تشکیل گردید، نتیجه ارزیابی به شرح زیر مورد تأیید قرار گرفت:

قبول (با درجه: عالی) و امتیاز: ۱۸ دفاع مجدد مردود

۱- عالی (۱۸-۲۰) ۲- بسیار خوب (۱۶-۱۷/۹۹) ۳- خوب (۱۴-۱۵/۹۹) ۴- قابل قبول (۱۲-۱۳/۹۹)

کلیه مزایا اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از پایان نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه بیرجند محفوظ می باشد. نقل مطالب با ذکر منبع بلا مانع است.

با کمال احترام و تواضع این رساله را به پیشگاه با عظمت

حضرت مهدی (عج) تقدیم می دارم که ظهور و حضور

سزسان روحی تازه و بی زوال در کالبد فکری و

فرهنگی بشریت خواهد دید.

ان شاء الله...

با سپاس بی حد و تشکر فراوان از استادان گرانقدر:

جناب آقای دکتر محمد رضا راشد محصل

جناب آقای دکتر سید مهدی رحیمی

جناب آقای دکتر علی اکبر سام خانیانی

جناب آقای دکتر عبدالرحیم حقدادی

جناب آقای دکتر علی علینزاده

جناب آقای دکتر محمد بهنام فر

و همه عزیزانی که در راه تحصیل یاریم نمودند

به نام خداوند جان و خرد

جهان بینی فردوسی در بخش پهلوانی شاهنامه

چکیده:

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر بلندپایه و حماسه سرای بزرگ ایران، در ضمن اشعار حماسی شاهنامه، جهان بینی خود را بیان می‌نماید.

حکیم بویژه در بخش پهلوانی شاهنامه بطور کامل و گسترده به بیان دیدگاههای خود راجع به خداوند، جهان هستی و انسان پرداخته است؛ شاهنامه حکیم تنها بیان رزمها و حماسه های پهلوانان ایرانی نیست بلکه فرزانه توس با در هم آمیختن باورمندیهای اسلامی و ایرانی، مدینه فاضله خود را ترسیم و در قالب بحر متقارب به جامعه بشری عرضه می‌نماید.

در این رساله سعی شده، جهان بینی و نیز رفتارها و اخلاقیات متأثر از جهان بینی حکیم که در رفتار و گفتار پهلوانان تجلی کرده، در بخش پهلوانی شاهنامه بررسی و با ذکر شواهد در اشعار آن حکیم نشان داده شود.

کلید واژگان: فردوسی - جهان بینی - بخش پهلوانی - باورمندیهای اخلاقی - شاهنامه

فهرست مطالب:

فصل اول:

- بخش اول: ۱
- الف) تعریف لغوی و اصطلاحی جهان بینی: ۱
- ب) انواع جهان بینی: ۴
- ج) سابقه کاربرد جهان بینی: ۴
- بخش دوم: ۶
- الف) زمینه ها و عوامل مؤثر در جهان بینی فردوسی: ۶
- ب) گستره و دامنه موضوعاتی که فردوسی در جهان بینی خود به آن پرداخته: ۷
- ج) کلیات و ابعاد مختلف جهان بینی فردوسی: ۱۰

فصل دوم:

بخش اول:

- الف) باورهای توحیدی و خداشناسی: ۲۱
- ب) تقدیرگرایی فردوسی: ۵۲
- ج) باورهای دینی حکیم: ۶۵
- د) دیگر باورهای حکیم: ۶۹
- ۱) اعتقاد به فرّ یا فرّه ایزدی ۶۹
- ۲) ناگزیری از مرگ ۷۳
- ۳) کینربینی بدان: ۷۶
- ۴) توصیف روزگار: ۸۰
- ۵) شادزیستی، شادباشی: ۹۳
- ۶) نژادگی و اصالت ۹۸
- ۷) باور به شانس و اقبال و باورمندیهای فلکی ۹۹
- ۸) چشم زخم ۱۰۱

بخش دوم:

- ۱۰۲..... منتهای اخلاقی و انسانی متأثر از جهان بینی حکیم:
- ۱۰۲..... (۱) خردگرایی:
- ۱۰۵..... (۲) توکل به خدا
- ۱۰۵..... (۳) دوری از آزمندی
- ۱۰۷..... (۴) راستی:
- ۱۰۹..... (۵) پیمان، پیمان‌داری . عهد و قسم:
- ۱۱۳..... (۶) حق شناسی:
- ۱۱۸..... (۷) دادگری، دوری از ستم:
- ۱۲۱..... (۸) بخشش و دهش:
- ۱۲۵..... (۹) آشتی جویی:
- ۱۲۷..... (۱۰) تأمل و دوری از شتاب زدگی
- ۱۲۹..... (۱۱) دوری از بیداد و ستم:
- ۱۳۱..... (۱۲) مهمان داری و مهمان دوستی:
- ۱۳۳..... (۱۳) نام نیک جستن. دوری از ننگ و زشت نامی:
- ۱۳۷..... (۱۴) فریادرسی و فریاد خواهی:
- ۱۳۷..... (۱۵) کوشش و تلاش:
- ۱۳۸..... (۱۶) ناپسند بودن غرور
- ۱۳۸..... (۱۷) رادمردی و جوانمردی:
- ۱۳۸..... (۱۸) : ناپسندبودن بدی:
- ۱۳۸..... (۱۹) دانش
- ۱۳۹..... (۲۰) امانت داری و پایبندی اخلاقی:
- ۱۳۹..... (۲۱) دروغ نكوهیده و ناپسند:
- ۱۳۹..... (۲۲) رقیب و دشمن را کوچک نشمردن:
- ۱۳۹..... (۲۳) گذشت:
- ۱۳۹..... (۲۴) ارزشمندی نیکی
- ۱۴۰..... (۲۵) مهرورزی به کمالات انسانی:
- ۱۴۱..... منابع و مأخذ:

«به نام خداوند جان و خرد»

پیش‌گفتار:

به نام خداوند جان و خرد
 خداوند نام و خداوند جای
 خداوند کیوان و گردان سپهر
 ز نام و نشان و گمان برتر است
 به بینندگان آفریننده را
 نیابد بدو نیز اندیشه راه
 سخن هر چه زین گوهران بگذرد
 خرد گر سخن برگزیند همی
 ستودن نداند کس او را چو هست
 خرد را و جان را همی سجد اوی
 بدین آلت و رای و جان و زبان
 به هستیش باید که خستو شوی

کزین برتر اندیشه برنگذرد
 خداوند روزی ده رهنمای
 فروزنده ماه و ناهید و مهر
 نگارنده بر شده گوهر است
 نبینی مرنجان دو بیننده را
 که او برتر از نام و از جایگاه
 نیابد بدو راه جان و خرد
 همان را گزیند که بیند همی
 میان بندگی را بیایدت بست
 در اندیشه سخته کی گنجد اوی
 ستود آفریننده را کی توان
 زگفتار بی کار یک سو شوی...

(شاهنامه ، ۱۳۸۴: ۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ وَافْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى بَشِيرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ
 نَذِيرِ نَقَمَاتِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ!

خدا را سپاس که مرا گوهر عقل و دانش عطا فرمود و جانم را به زیور خرد آراست. سخن با نام، یاد و حمد و ستایش پروردگار آغاز شد که برترین و بهترین نامها است و حلاوت بخش معنی در زبانها.

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان «جهان بینی فردوسی در بخش پهلوانی شاهنامه» به انجام و سرانجام رسید به مدد و توفیق حضرت حق - عزّ اسمه - که به راستی بدون یاری و امداد او هیچ امری ممکن نباشد و هیچ سعی به سرانجامی نیانجامد.

^۱ - سیاس ایزد را که هدایتان فرمود. به راستی اگر او هدایتان نمی نمود در گمراهی می ماندیم و والاترین درودها و سلامها بر بت رت دهنده رحمت و مهربانی او و ترساننده از عقوبتش حضرت محمد(ص) که درود خدا بر او و خاندان او باد.

شکر ایزد را بر نعمت هدایتش و سپاس و ستایش او را که توفیق چنین پژوهشی را در بزرگترین کتاب شعر فارسی، شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، به بنده ارزانی داشت.

دروود و سلام بی انتها و پیوسته بر حضرت ختم رُسل محمد مصطفی (ص) فرستاده او و خاندان اطهرش (س) که واسطه فیض الهی بر بندگانتند.

از آنجا که این رساله نظر و گذری بر جهان بینی حکیم توس است، سرآغاز این دفتر به شعر بلند فردوسی حکیم مزین گردید. زیرا این شعر در حقیقت دریچه‌ای روشن بر جهان بینی حکیم و چکیده باورمندی فرزانه توس درباره جهان هستی. باورمندی او به بندگی در برابر آن قدرت واحد و به مانند خطابه محکم و استوار نشانگر اعتقادات راسخ و بی بدیل جناب حکیم به ذات بی همتای حضرت باری تعالی است.

این رساله به راهنمایی و هدایت استاد دانشمند جناب آقای دکتر محمدرضا راشد محصل و مشاوره سرور ارجمند جناب آقای دکتر سیدمهدی رحیمی و همچنین جناب استاد آقای دکتر علی اکبر سام خانیانی که در مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی همواره از ارشاد و مساعدتشان بهره مند شدم، به سرانجام رسید. آنچه پیش روست بعد از عنایت حضرت باری تعالی و امداد افاضل ارجمند که نامشان به نیکی یاد و بر صحیفه این اوراق نگاشته شد، با تلاش بی وقفه یکساله این حقیر محقق گردید، اساتید فاضل شاهنامه پژوه مستحضرنند که بخش پهلوانی. بخشی بزرگ و حدود نیمی از کتاب شاهنامه حکیم را شامل می‌شود، دامنه موضوعات و مطالب آن بسیار گسترده و علاوه بر آن منابع و مآخذ محل مراجعه بسیار زیاد که برای پربار و وزین شدن رساله، ناگزیر به مطالعه و مراجعه به آن بودم. به هر شکل به قول مولانا:

مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی باید که تا خون شیر شد (مثنوی، جلد دوم، ۱۳۶۳: ۲۴۷)

مشغله و گرفتاریهای فراوان زندگی امروز و کارهای اجرایی دانشگاه محل خدمت باعث شد، انجام طرح در مدت ده ماه پیش بینی اینجانب تحقق نپذیرد، به هر صورت این کار با مطالعه کتب و مقالات معرفی شده توسط استاد محترم راهنما و نظارت و هدایت ایشان و نیز مشاور محترم آغاز شد و فیش برداری از منابع و سپس از متن موردنظر. انجام گرفت. کار جمع بندی مطالب و نگارش اگر چه وقت گیر و خسته کننده بود، آغاز شد و با عنایت پروردگار به پایان رسید. اما آنچه بهره من شد، مطالعه شاهنامه با نگاهی نو بود. مطالعه‌ای که شناخت جدیدی از شاهنامه به من داد و حظ معنوی از مذاقه در شاهنامه را شامل حال کرد؛ نوع موضوع انتخابی باعث شد که با نگاهی جدید و از زاویه‌ای دیگر به کلام شیرین و با سلامت حکیم بنگرم. مختصر اینکه تا آنگاه لفظ حکیم را بر قامت فردوسی به مطالعه نمی‌دانستم و پس از انجام این فریضه که توفیق رفیق

راه شد، مسمای این لفظ برنام فردوسی بزرگ به عینه بر من آشکار شد. در مدت یکسال در مکتب حکیم، از اندیشه های ناب، بلند و جان بخش حکیم بهره ها برگرفته. از منظر او زندگی؛ رفتارها، سخنان و اندیشه های شاهان شاهنامه، فریدون، منوچهر، کیکائوس، کیخسرو. گشتاسب و... پهلوان پهلوانان، رستم دستان، اسفندیار گرد. سهراب ناکام، سیاوش بی گناه، افراسیاب پیمان شکن، گیو خردمند و... را با مطالعه به مشاهده نشسته و چکیده اقوال، رفتارها، پسندها و ناپسنده و باورمندیهای آنان را که در این رساله می گنجید، برگزیده و درج و نقل نمودم. تا که قبول افتد و چه در نظر آید. امید است به دیده اغماض بر نقایص کار بنگرند و از سر لطف خطاها و قصورها را برای اصلاح گوشزد نمایند.

همین جا بجا و شایسته است از همه استادان ارجمند. دانشمند و خدوم که در امر تحصیل مرا یاری داده و از محضر باسعادتشان کسب فیض و دانش نموده ام تشکر نموده، برایشان آرزوی دوام و بقای عمر و سلامتی و بهروزی. نمایم. عزیزان، خود را ریزخوار خوان دانش و معرفتتان دانسته، تا عمر بر دوام و باقی است، بدین دین معترف:

فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا^۲

مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا

دو دیگر، از مجموعه همکاران ارجمند دانشگاه، در تحصیلات تکمیلی، آموزش، اداری، مالی، کتابخانه و همه عزیزانی که بطور مستقیم و غیرمستقیم تقبل زحماتی فرموده اند. صادقانه سپاسگزارم و اینگونه به ناتوانی خود در شکرگزاری مقرر:

فَقَدْ «جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا» وَ قَدْ كَفَى^۳

إِذَا عَجَزَ الْإِنْسَانُ عَنْ شُكْرِ مُنْعَمٍ

(ترجمه کلیله و دمنه، ۱۳۷۱، مقدمه یط)

سه دیگر: از همسر گرامیم که در غیاب من در دوره تحصیل، رنج اداره فرزندان و منزل را عهده دار بودند. تشکر فراوان دارم.

پیرامون انتخاب موضوع:

که پیماید این ژرف راه دراز

کدام است مرد پژوهنده راز

(فردوسی، نقل از کاوش نامه، شماره ۱۲: جلد)

انتخاب هر موضوعی برای انجام هر پژوهشی، ادله ای دارد و فرضیه ای فرارو، آنچه مرا به انتخاب این موضوع جهان بینی فردوسی در بخش پهلوانی شاهنامه، واداشت قبل از هر چیز علاقه مندی به شناخت

^۲ - این بیت منسوب به حضرت علی (ع) است. هر کس مرا حرفی بی‌مورد عمری مرا بنده خود کرده است.

^۳ - آنکه که از تشکر از ولی نعمتی درماندی، بگو: «خدایت جزای خیر دهاده و به درستی همین کافی است».

اندیشه‌های حکیمانه فردوسی نسبت به جهان هستی و انسان به عنوان برترین مخلوق این دنیای گذران و ارائه آن به علاقه مندان به اینگونه مباحث بود.

اما چرا در بخش پهلوانی؟

اندیشه‌های بلند فردوسی که تراوش افکار بلند و منسجم و عالمانه اوست و خود او به آن علاقه و اعتقادی راسخ و عمیق داشته در وجود پهلوانان تجلی کرده و آن جلوه‌ها را برجسته و نمادین و بارز نموده (راشد محصل، محمدرضا. ۱۳۸۶: ۱۱) ^۴ و با قلم توانا، بیان شیوا و استعداد خارق العاده خود در ابیات دل انگیز بحر متقارب ریخته و نثار جان شیفتگان اندیشه‌های فلسفی و الهی نموده است. آنچه را باور داشته پرورده و از صحیفه دل و ضمیر روشن خود بر صحیفه کاغذ نگاشته تا کام جان دوست داران معارف، چه هم عصران خود و چه نسل‌های بعد را بدان مصفا نماید.

آنچه بعضی از فلاسفه و حکما تحت عنوان مدینه فاضله برای بشر رقم زده اند در اندیشه بلند و جهان بینی فراگیر فردوسی به گونه ای ناب، برتر و حکیمانه و به شیوه ای خاص جلوه کرده است، او مدینه فاضله خود را در وجود پهلوانان، اندیشه‌ها و باورهای اصیل نوع ایرانی یافته و آن اندیشه‌ها را پرورده و با ذهنیات خود درآمیخته و همچون روحی تازه در کالبد پهلوانان و قهرمانان دمیده و نه تنها به ایرانیان بلکه به نوع بشر هدیه کرده است. این اندیشه‌های ناب که همان جهان بینی حکیمانه و عالمانه اوست، بطور برجسته در وجود پهلوانان داستانهای شاهنامه تجلی دارد. در رفتار، کنش و منش آنان ظهور پیدا کرده است و در اییاتی دل انگیز با بیانی رسا و شیوا و در اوج استواری و زیبایی به رشته نظم درآمده است. باورها و اندیشه‌های انسانی و الهی که جهان بینی حکیم ابوالقاسم فردوسی را تشکیل می‌دهد، تمام مواردی است که در حقیقت نشان دهنده نظام اخلاقی فردوسی است، توجه به راستی، پیمان‌داری، اعتقادات دینی، پندارها و خصلت‌های انسانی، همچون گذشت، جوانمردی، دستگیری از مظلوم، عدل و داد، بلندمنشی، ارزشهای دینی و باورهای بلندپایه معنوی، مکتب پرستی توأم با بینش، حق شناسی و حق‌گزاری، معنویت‌گرایی با آگاهی، عشق به فضیلت، خردگرایی، اخلاق‌گرایی، ایمان و گسترش و تبلیغ ارزشهای متعالی انسانی و... همه در مقوله جهان‌بینی فردوسی جای دارد و در وجود پهلوانان و قهرمانان داستانهای شاهنامه که نمادی از یک ملت سرفراز هستند، جلوه می‌یابد، می‌درخشد و به جامعه عرضه می‌گردد. در این رساله به گونه ای واقع‌گرایانه و مستدل با ذکر شواهد به هر یک از این باورها پرداخته خواهد شد. بِمَنِّهِ وَ كَرَمِهِ.

هدف های رساله:

در طرح تحقیق ارائه شده به شورای محترم آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده که به تصویب بزرگواران و نیز اداره کل تحصیلات تکمیلی رسیده است، موارد ذیل اهداف پایان نامه ذکر شده است:

۱- شناساندن الگوهای اخلاقی و رفتار پهلوانی در شاهنامه

۲- شناساندن جهان بینی پهلوانی از دیدگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در متن شاهنامه.

۳- شناخت احوال و افکار پهلوانی در جامعه گذشته ایران.

۴- ارائه الگوی فرهنگی و منش پهلوانی به جامعه.

نگارنده در نظر دارد با بررسی تفکر و جهان بینی حکیم ابوالقاسم فردوسی و با شناسایی این جهان بینی در بخش پهلوانی حتی الامکان در جهت معرفی رفتارهای پهلوانی از نگاه آن حکیم بکوشد. رفتارها و باورهای که می تواند بعنوان پشتوانه محکم فرهنگی جامعه متمدن و اصیل ایرانی برای نسل حاضر و آینده الگو باشد. جهان بینی ای که می تواند نمونه خوبی از باورها، اندیشه ها و رفتارهای انسانی ایرانیان در طول قرون و اعصار باشد، بدون آنکه رنگ کهنگی بخود بگیرد و از اعتبار آن کاسته شود؛ زیرا مبتنی بر علایق و فطرت بشری است. آنچه که جامعه فعلی و نسل حاضر نیز بعنوان یک پشتوانه قوی فرهنگی دارای اصالت، شدیداً به آن نیازمند است و می توان خلاء فرهنگی موجود در نسل جوان را با استعانت از آن پر نموده و به خیلی از نیازهای اساسی جامعه امروز که نیاز فرهنگی است پاسخ داد.

فصل اول

پرامون جهان پینی و جهان پینی فردوسی

فصل اول

بخش اول:

الف) تعریف لغوی و اصطلاحی جهان بینی

ب) انواع جهان بینی

ج) سابقه کاربرد جهان بینی

۸- نمادی برای بزرگی، عظمت، یا مقدار زیادی از اشیا یا امور مجازی.

۹- نیروی که به گمان مردم بوجود آورنده حوادث و اثرگذار در سرنوشت انسانهاست، روزگار، دهر.

۱۰- مردم دنیا.

۱۱- زندگی.

۱۲- طبیعت. مظاهر طبیعت (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱: ذیل جهان).

جهان بینی ترکیبی از جهان و بینی است که امروزه به معنی شناخت، بینش و بینایی نسبت به جهان به کار

می‌رود و لفظ جهان بین به معانی چشم، فرزند و مردم جهانگرد به کار رفته است.

تعریف جهان بینی در اصطلاح:

جهان بینی نوعی دریافت و بینش ذاتی است، موهبتی است الهی که هر کس به اندازه خرد و عقل خود از آن

برخوردار است و عوامل محیطی، تربیتی و دانش در پرورش و بالندگی آن مؤثر است.

(منصود از جهان بینی، نگرش و بینش و دریافت و شناختی است که به یک انسان هوشمند و جوینده درباره

جهان به معنی اعم که دستگاه آفرینش و سرگذشت و سرنوشت انسان را در گذشته، حال و آینده در بر می‌گیرد،

دست می‌دهد. (رعدی آذرخشی، ۱۳۵۳: ۱۲۷).

به تعبیری دیگر «یک مسلک و یک فلسفه زندگی. خواه ناخواه برنوعی اعتقاد و بینش و ارزیابی درباره هستی

و بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان مبتنی است، نوعی برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و

هستی عرضه می‌دارد و زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود که اصطلاحاً جهان بینی نامیده

می‌شود.» (مطهری، [بی تا]: ۶۳).

اجهان بینی ملکه و قدرتی است که دانایان و فیلسوفان پدید آمدن آنرا در ذهن یک آدمیزاد کنجکاو و ژرف

اندیش و روشن بین هدف و غایت فلسفه به معنی اعم می‌دانند. این جهان بینی غیر از دانش و دانایی است،

دانش امری اکتسابی است و باید از دیگران فرا گرفت یا به مدد دانشهای دیگر خود کسب کرد، دانش دستیار

بینش است. قوه استنباط امری ذاتی و موهبتی است فطری، البته برخوردار از چنین موهبتی به مدد دانش و

تجرب می‌تواند عرصه بینش و معرفت خود را روشن تر و گسترده تر نماید.» (رعدی آذرخشی، ۱۳۵۳: ۱۲۸).

نسان جهان بین یعنی انسان متفکر، یعنی انسانی که دارای قوه تفکر و استنباط است. اینگونه انسانی دارای

هدف و برنامه ریزی است. انسانی که دارای هدف خاص و روش خاص است، بنابراین مرد متفکر یعنی مرد

جهان بین. اینگونه افرادی از شاخصه تفکر و بینش برتری نسبت به عامه مردم برخوردارند و در واقع خط و مشی فکری آنان برای سایر افراد جامعه و هموعان آنها ره گشا و جنبه هدایتگری دارد.

جهان بینی از منظری می تواند دارای سه وجه مشخص و معین باشد:

۱- جهان بینی فرد و فرد ۲- فرد و خدا ۳- فرد و جامعه

تعامل و ارتباطی که بین این سه برقرار می گردد مبتنی بر جهان بینی آنان خواهد بود.

«تفکر در سرنوشت انسان بویژه درباره زندگی و مرگ و داوری درباره آنچه در اصطلاح اندیشمندان خیر و شر نامیده می شود و اندیشیدن در خصوص هر آنچه به یکی از این دو اصل می پیوندد در مرزهای طبیعی، سیاسی و جغرافیایی و در برشهای تاریخی یا در تقسیم بندیهای نژادی و قومی متوقف نمی شود. پس می توان گفت که فقط جهان به آن معنی که استادان بزرگ پارسی دری - شاید در ادامه ستهای پیش از اسلام - به کار برده اند می تواند ساحت بینش و شناخت اصیل باشد و از این رو اصطلاح جهان بینی در عین سادگی، اصطلاح بسیار مناسب و مانوس به ذهن و وافی به مقصود به نظر می رسد.» (همان: ۱۲۹).

حوزه و گستره جهان بینی حد و مرز نمی شناسد و سیر در تمامی آفاق و انفس را شامل می شود، گستره‌یی که محدودیت ندارد، سیری ذهنی و نامحدود در ذهن و اندیشه است. دریافتی است که شخص در اثر تفکر در جهان هستی به کشف آن نایل می شود و رفتار، کردار، منش و روش زندگی خود را در تعامل با دیگران مبتنی بر این دریافت و شناخت تنظیم می نماید.

«جهان بینی را باید به عنوان یک موضوع فلسفی، جامعه شناسی و انسان شناسی در دنیا مطرح کرد. انسان هیچ گاه جهان را به همان اندازه که جغرافیا از آن سخن می گوید نمی بیند.» (شریعتی، ۱۳۷۲: ۱۱).

«در تعریف جهان بینی به طور کلی باید گفت جهان بینی فرد تابع ابعاد مشخص معنوی و مادی جامعه اوست و با تغییر و توسعه برج و باورهای یک مدینه، جهان در دید افرادی که در آن زیست می کنند. تغییر و توسعه می یابد، حتی صورت ذهنی که هر کس از جهان دارد با چهارچوب طبقاتی وی نیز هم سنخ و همانند و هم اندازه است و در یک عبارت، جهان خارج در چشم فرد تصویری است که از جامعه و طبقه وی درآینه واقعیت و پرده عینیت افتاده است.» (همان: ۱۱۴)

جهان بینی هر فرد متأثر از عواملی است از قبیل تربیت، محیط زندگی، مطالعات و باورهای فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه او و ... که همه در رشد و باروری اندیشه و نهایتاً نوع نگاه و نگرش فرد تأثیر گذاشته و جهان

بینی او را می‌سازد. لذا عمل فرد تابع جهان بینی اوست. «اهمیت فراوان مسئله از اینجاست که هر کس آنچنان عمل می‌کند که جهان را می‌بیند یعنی تصویری که از هستی در ذهن ما نقش بسته است در عمل ما، عقیده ما، رفتار اجتماعی ما و زندگی فردی و اجتماعی، تأثیر مستقیم دارد. یعنی هر کس برحسب جهان بینی که دارد زندگی می‌کند. پس بررسی جهان بینی‌ها در حقیقت بررسی انسانهاست و مطالعه روی جهان بینی هر مکتبی و هر گروه و ملتی مطالعه روی کیفیت ساختمان و سرشت و صفات آن گروه و آن ملت است.» (همان: ۱۳)

ج) انواع جهان بینی:

جهان بینی انواع مختلفی دارد. که دو نوع از معروفترین آنها عبارتند از ۱- جهان بینی مادی ۲- جهان بینی معنوی یا مذهبی.

جهان بینی مادی:

«جهان بینی مادی یا ماتریالیسم جهان بینی مبتنی بر اصالت ماده است یعنی عقیده بر آن است که هر چه هست عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر و روابط و فعل و انفعالاتی که همه، مادی است و جهان یک عنصر دارد و آن ماده است، پس جهان بی‌شعور است، بی اراده است و هدفی خاص ندارد: و نهایتاً به پوچی می‌انجامد و هنر این نوع جهان بینی هنر پوچی است» (همان: ۱۳)

جهان بینی مذهبی:

«جهان بینی مذهبی یعنی اعتقاد به اینکه این جهان یک نظام خودآگاه و دارای اراده و احساس و شعور و هدف است و فرد بعنوان یک عنصر از عالم دارای شعور و اراده در برابر آن شعور و آگاهی مسؤول و حاکم بر هستی مسؤول است.» (همان: ۱۵)

به روایتی دیگر جهان بینی «به طور کلی به سه گونه است یعنی از سه منبع ممکن است الهام شود: علم، فلسفه، دین پس بر این اساس جهان بینی سه گونه است علمی، فلسفی، مذهبی» (مطهری، {بی تا}: ۱۵).

د) سابقه کاربرد جهان بینی:

لفظ جهان بینی مسبوق به سابقه است، «ترکیب جهان و بینی مشتق از بینش و بینایی از نخستین سالهایی که پارسی دری زبان رسمی و ادبی ایران در دوره اسلامی شد و قدیمترین شاهکارهای نظم و نثر در آن پدید آمد در استعمال خداوندان ادب از شاعران و نویسندگان، برای مفاهیمی به کار رفته اند که اکنون با ساختن ترکیبی از آن